

Research Paper

Investigating the Impact of Implementing Internal Controls Guidelines and Audit Firms Ranking on the Transparency of Financial Reporting

Esmail Mazaheri *

Assistant Prof, Department Of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
e.mazaheri@scu.ac.ir

Amir Hossein Montazer Hojat

Associate Proffesor, Department Of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
a.hojat@scu.ac.ir

Milad Azizi Kheirabadi

MSc, Department Of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz , Ahvaz, Iran.
miladazizi2018@yahoo.com

Abstract

Transparency of financial reporting is a factor that influences on the viewpoint of investors about a company. According to the previous sentence, many researchers have done some investigations in order to find solutions for increasing and improving the transparency of the financial reporting transparency. In order to increase transparency, Stock Exchange Organization of Iran has legislated some instructions for the internal control environments and the ranking of auditing firms. In order to evaluate the transparency, four criteria including institutional owners, capability of forecasting the earning, debt ratio and the earning manipulation have been used in this research. The purpose of this study is evaluating the effects of the instructions that mentioned above on the transparency of the financial reporting of the companies which are listed in Tehran Stock Exchange. In order to achieve the research objectives, 159 companies which are listed in Tehran Stock Exchange in the period of 2008 to 2022 are chosen. Also, the linear regression pattern and the panel data method with fixed effects are used in this research in order to validate the hypotheses of the research. The findings showed that the process of executing the instructions of the internal control environments and the ranking of auditing firms, which has been legislated by Stock Exchange Organization of Iran in order to develop a transparent market and helping the investors, increases the transparency of financial reporting. The findings in this research shows that the obligation of companies to execute the instructions of the internal control environment and preparing its checklist and executing the instructions of the ranking of auditing firms for using the auditing services of trusted auditors which is obliged by Stock Exchange Organization of Iran, has increased the transparency of financial reporting.

Keywords: Internal Controls Guideline, Audit Firms Ranking Guideline, Transparency of Financial Reporting.

* Corresponding author

Mazaheri, I., Montazer Hojat, A.H., Azizi Kheirabadi, M. (2022). Investigating the Impact of Implementing Internal Controls Guidelines and Audit Firms Ranking on the Transparency of Financial Reporting. *Quarterly Financial Accounting*, 14(53): 83-99.

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر اجرای دستورالعمل‌های کنترل‌های داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی بر شفافیت گزارشگری مالی

اسماعیل مظاهری*

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
e.mazaheri@scu.ac.ir

امیرحسین منتظر حجت

دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
a.hojat@scu.ac.ir

میلاد عزیز خیرآبادی

کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
miladazizi2018@yahoo.com

چکیده:

شفافیت گزارشگری مالی یکی از عوامل تأثیرگذار بر دیدگاه سرمایه‌گذاران نسبت به شرکت است. با توجه به این موضوع پژوهشگران بسیاری برای یافتن راه‌حلی به‌منظور افزایش و بهبود شفافیت گزارشگری مالی پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. سازمان بورس و اوراق بهادار ایران نیز با هدف افزایش شفافیت، اقدام به تصویب دستورالعمل‌های کنترل‌های داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی نموده است. در این پژوهش به‌منظور سنجش شفافیت از چهار معیار مالکان نهادی، قابلیت پیش‌بینی سود، نسبت بدهی و دستکاری سود استفاده شده است. در این مطالعه، هدف بررسی تأثیر دستورالعمل‌های فوق‌الذکر بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است. در راستای دستیابی به اهداف پژوهش، ۱۵۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ انتخاب شده است. همچنین به‌منظور صحت سنجی فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون خطی و شیوه داده‌های تابلویی با اثر ثابت استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که اجرای دستورالعمل‌های کنترل‌های داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی که بورس اوراق بهادار آن‌ها را با هدف توسعه بازار شفاف و کمک به سرمایه‌گذاران تصویب نموده است، موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی می‌شوند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سازمان بورس و اوراق بهادار با الزام شرکت‌ها به اجرای دستورالعمل کنترل‌های داخلی و تهیه چک‌لیست آن و نیز به‌کارگیری دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی در استفاده از خدمات حسابرسان معتمد، موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها شده است.

کلیدواژه‌ها: دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی، دستورالعمل کنترل‌های داخلی، شفافیت گزارشگری مالی.

* نویسنده مسئول

مظاهری، اسماعیل، منتظر حجت، امیرحسین، عزیز خیرآبادی، میلاد. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر اجرای دستورالعمل‌های کنترل‌های داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی بر شفافیت گزارشگری مالی. فصلنامه حسابداری مالی، ۱۴(۵۳): ۸۳-۹۹.

مقدمه

با توجه به اهمیت نقش بازار بورس در اقتصاد هر کشور می‌توان سرمایه‌گذاران را از مهم‌ترین متغیرهای تعیین‌کننده سرنوشت اقتصاد آن کشور دانست. بازار بورس و اوراق بهادار به دلیل راحتی ورود به آن با کمترین سرمایه و تشویق دولت‌ها به جذب سرمایه از آن طریق، از جایگاه و توجه ویژه‌ای برخوردار است. در محیط پرتلاطم امروزی، بسیاری از سرمایه‌گذاران بر اهمیت شفاف‌سازی اطلاعات تأکید می‌کنند. فقدان و عدم اطمینان مرتبط با اطلاعات، به یک مشکل اساسی در بازارهای مالی تبدیل شده است (هسیو^۱، ۲۰۰۶). رفتار سرمایه‌گذاران در بورس که نحوه تصمیم‌گیری، تخصیص منابع پولی، قیمت‌گذاری و ارزیابی بازده شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خود متأثر از عوامل متعدد می‌باشد که یکی از عوامل اصلی آن، موضوع عدم اطمینان و عدم شفافیت اطلاعات است. اطلاعات مالی شفاف به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که واقعیت اقتصادی واحد تجاری و ریسک‌ها و فرصت‌هایی را که واحد تجاری با آن‌ها مواجه است، منعکس نموده و قابل درک و قابل مقایسه باشد (پرابوو و آنگوسو^۲، ۲۰۰۶). به‌رغم همه استدلال‌هایی که در ارتباط با پذیرش شفافیت بیشتر وجود دارد؛ شرکت‌ها به دلایلی همچون: هزینه‌های مرتبط با جمع‌آوری، پردازش و افشای اطلاعات، وجود منافع مرتبط با عدم افشاء و وجود پدیده اثرات خارجی، تمایل به شفافیت کامل اطلاعات مالی ندارند (عرب مازار، طالب‌نیا، و کیلی فرد و صمدی‌لرگانی، ۱۳۹۰).

پس از افشای تقلبات گسترده در بازار مالی جهانی خصوصاً بازارهای مالی آمریکا، انجمن‌ها و کمیته‌های تخصصی حسابداری همچون انجمن حسابداران خبره آمریکا و سازمان بورس و اوراق بهادار^۳ اقدام به یافتن راهکارهای کاربردی مقابله با تقلب و فساد نمودند. حاصل تلاش این انجمن‌ها و کمیته‌های تخصصی منجر به وضع قوانین پیشگیرانه و نظارتی همچون قانون ساربینز آکسلی^۴ گردید، محتوای این قوانین اغلب شامل: موارد حاکمیت شرکتی، کنترل‌های داخلی، افشای اطلاعات درست و به‌موقع، شفافیت مالی و رابطه حسابرسان و شرکت است (زارعی، ۱۳۹۶).

در کشور ایران نیز در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف، سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام به تصویب دستورالعمل‌هایی کرده که از آن جمله می‌توان به "دستورالعمل کنترل‌های داخلی" و "دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد" اشاره نمود. کنترل داخلی بخشی از سیستم حمایتی ضد تقلب محسوب می‌گردد. کنترل‌های داخلی مؤثر می‌تواند موجب افزایش شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی گردد و خطر تحریف با اهمیت را کاهش دهد (وکیلیان آغویی، مرادی، صالحی و جباری، ۱۴۰۰). رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی موجب می‌گردد تا تناسبی میان اندازه شرکت مورد حسابرسی و موسسه انجام دهنده حسابرسی ایجاد شود و شرکت‌های بزرگ توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی شوند. در این پژوهش هدف بررسی آثار اجرای دستورالعمل‌های کنترل‌های داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

شفافیت و اندازه‌گیری آن

شفافیت، به‌عنوان ابزاری برای رشد و توسعه جامعه ضروری است. شفافیت گزارشگری مالی شرکت در دسترس بودن گسترده اطلاعات مربوط و قابل اتکا در خصوص نتایج عملکرد دوره‌ای، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظام راهبری شرکت‌ها، ارزش و ریسک شرکت‌های سهامی تعریف می‌شود (داداش، خواجوی و سروش یار، ۱۴۰۰). شفافیت یکی از ویژگی‌های اساسی و اصلی گزارش‌های مالی به شمار می‌رود، بوشمن، پیوتروسکی و اسمیت^۵ (۲۰۰۴) شفافیت گزارشگری مالی را به‌عنوان: «دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل استناد در مورد عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری،

¹ Hsiu

² Prabowo & Angkoso

³ SEC

⁴ Sarbanes Oxley Act

⁵ Bushman, Piotroski & Smith

ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند» تعریف کرده‌اند. عده‌ای معتقدند، شفافیت به معنای انتشار اطلاعات از کانالی به‌غیر از صورت‌های مالی و یا گزارش فعالیت سالانه مانند کانال مطبوعات است (گرنون و میکس^۱، ۱۹۹۷)، اما برخی نیز بر دیدگاه جامع مبتنی بر محیط اطلاعاتی شرکت تأکید می‌کنند (بوشمن، پیوتروسکی و اسمیت، ۲۰۰۴).

کشف بحران‌های مالی در شرکت‌های بزرگ از قبیل ورلدکام^۲ و زیراکس^۳ سبب شده است تا موضوع شفافیت گزارشگری مالی به‌عنوان یک پدیده مورد لزوم و ضرورت بازار شناخته شود.

حجم وسیعی از تحقیقات که به دنبال معیاری برای اندازه‌گیری شفافیت گزارشگری مالی بوده‌اند، این واقعیت را دریافتند که شفافیت ویژگی چندبعدی محیط اطلاعاتی شرکت است لذا در جستجوی شاخص‌هایی بودند تا با سازه‌های تئوریک مرتبط باشند (یوسفی اصل، ملانظری و سلیمانی امیری، ۱۳۹۳).

شفافیت گزارشگری مالی در سطوح مختلفی نظیر سطح شرکت و سطح کشور قابل اندازه‌گیری است که در این پژوهش معیار شفافیت از بُعد گزارشگری مالی در سطح یک شرکت در نظر گرفته شده است. به این منظور از چهار معیار مالکان نهادی، قابلیت پیش‌بینی سود، نسبت بدهی و دستکاری سود برای محاسبه شفافیت استفاده می‌گردد.

کنترل‌های داخلی

گسترده‌گی و پیچیدگی روزافزون سازمان‌ها در جهان پیشرفته‌ی امروز، فشارهای ناشی از کمبود منابع، افزایش سطح رقابت، ضعف در شفافیت اطلاعات، وجود انواع مخاطرات در زمینه‌های مختلف مالی، اداری و تجاری که هدف‌ها و سیاست‌های سازمانی را تهدید می‌کند، موجب شده است تا کنترل اثربخش منابع و فعالیت‌ها، به‌عنوان مسئله‌ای حائز اهمیت، مورد توجه ارکان راهبری هر سازمان قرار گیرد (امیری حسن‌آبادی، پورحیدری و بهارمقدم، ۱۳۹۶). تصویر عامیانه از کنترل‌های داخلی، یک سیستم برای جلوگیری از تقلب کارکنان است. ولی در واقع ساختار سیستم کنترل داخلی یک سازمان شامل سیاست‌ها و روش‌هایی است که برای تأمین اطمینان نسبی از دستیابی به اهداف سازمانی ایجاد شده است. تضاد منافع بین تهیه‌کننده و استفاده‌کننده اطلاعات حسابداری، پیامدهای اقتصادی این اطلاعات، پیچیدگی اطلاعات و عدم دسترسی مستقیم به اطلاعات، موجب ایجاد نیاز به خدمات حسابرسی می‌شود. مسئولیت حسابرس اظهارنظر درباره درجه‌ی انطباق صورت‌های مالی با استانداردهای حسابداری است، در حالی که مسئولیت مدیریت واحد مورد رسیدگی اتخاذ روش‌های مناسب حسابداری، استقرار سیستم حسابداری مؤثر و کارا، حفاظت از دارایی‌ها و همچنین برقراری سیستم کنترل داخلی مناسب است. حسابرس برای تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت باید از کنترل‌های داخلی مرتبط با حسابرسی صورت‌های مالی شناخت کسب کند، در انجام این ارزیابی‌ها، حسابرس کنترل‌های داخلی را به‌منظور طراحی روش‌های حسابرسی مناسب شرایط موجود و نه به‌قصد اظهارنظر نسبت به اثربخشی کنترل‌های داخلی ارزیابی می‌کند (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۵).

هرچه کنترل‌های داخلی مؤثرتر باشد احتمال وجود اشتباه و تقلب را کاهش می‌دهد ولی وقوع آن را به‌طور کلی از بین نمی‌برد. هدف حسابرس، اطلاع‌رسانی ضعف‌های کنترل‌های داخلی مشخص شده در جریان حسابرسی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی (حسب مورد) است که به نظر حسابرس، برای آن‌ها دارای اهمیت کافی است. در سال ۲۰۰۲ زمانی که قانون ساربینز آکسلی به‌وسیله قانون‌گذاران و با هدف پاسخگویی به مسائل آشکار شده در رسوایی‌های حسابداری شرکت انرون^۴ و موسسه حسابرسی آرتور اندرسن^۵ وضع شد؛ چشم‌انداز شرکت‌ها در آمریکا در رابطه با گزارشگری مالی و حسابرسی شرکت‌های سهامی عام دگرگون شد. بر پایه قانون ساربینز آکسلی، استانداردهای جدیدی برای کمیته‌های حسابرسی تعریف شده و مجازات‌های جزایی برای مدیران خلاف‌کار پیش‌بینی شده است. به‌علاوه، در پی رسوایی‌های مالی بیان شده، قانون ساربینز آکسلی ۲۰۰۲ کنترل شدیدی را بر نحوه گزارشگری و افشا اطلاعات در شرکت‌های سهامی الزامی کرد. طبق این قانون،

¹ Gernon & Meeks

² WorldCom

³ Xerox

⁴ Enron

⁵ Arthur Andersen

مؤسسات وظیفه دارند تا کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی خود را افزایش دهند (بارا، ۲۰۱۰). از آنجایی که تاکنون در ایران قانون ساربینز آکسلی اجرایی نشده، سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای توسعه شفافیت و افزایش نظارت بر گزارشگری مالی شرکت‌ها، اقدام به تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی نموده است.

دستورالعمل کنترل‌های داخلی

طبق بخش ۳۱۵ استاندارد حسابرسی ایران، کنترل داخلی فرایندی است که به‌وسیله مدیریت و سایر کارکنان طراحی و اجرا می‌شود تا از دستیابی به هدف‌های واحد مورد رسیدگی در زمینه قابلیت اعتماد گزارشگری مالی، اثربخشی و کارایی عملیات و رعایت قوانین و مقررات مربوطه، اطمینانی معقول به دست آید. از این‌رو کنترل‌های داخلی برای شناسایی آن دسته از خطرهای تجاری که دستیابی به هر یک از این اهداف را تهدید می‌کنند طراحی و اجرا می‌شوند.

قانون ساربینز آکسلی که پیشتر به آن اشاره شد؛ بر اساس چارچوب کوزو^۲ بر سیستم کنترل داخلی تأکید کرده است. کوزو، سازمانی خصوصی است که داوطلبانه برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از آیین اخلاقی کسب و کار، کنترل‌های داخلی مؤثر و نظام راهبری بنگاه، ایجاد شده است دو بخش عمده این قانون یعنی بخش‌های ۳۰۲ و ۴۰۴ به بحث در مورد کنترل‌های داخلی و مسئولیت مدیران در مورد این کنترل‌ها و گزارشگری مالی می‌پردازد. بخش ۴۰۴ قانون ساربینز آکسلی اهمیت اطمینان داشتن به کیفیت بالای کنترل‌های داخلی و اهمیت تبادل اطلاعات مربوط به ضعف کنترل‌های موجود در بازار سرمایه را افزایش داده است. بر اساس این بخش، مدیریت باید گزارشی در مورد اثربخشی کنترل‌های داخلی برای گزارشگری مالی ارائه کنند. در ایران نیز سازمان بورس و اوراق بهادار جهت حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و جلوگیری از وقوع جرائم و توسعه بازار شفاف، دستورالعمل کنترل‌های داخلی را در تاریخ (۱۳۹۱/۰۲/۱۶) تصویب نمود و اجرای آن را برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و فرابورس الزامی نمود. بر اساس دستورالعمل مذکور، هیئت‌مدیره شرکت مکلف به استقرار کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش می‌باشد. سیستم کنترل‌های داخلی شرکت به‌منظور حصول اطمینان از دستیابی به اهداف شرکت، می‌بایست حداقل به‌صورت سالانه موردبررسی و نتایج حاصله از آن در گزارشی تحت عنوان «گزارش کنترل‌های داخلی» منتشر گردد. بر اساس ماده ۱۷ این دستورالعمل «حسابرس مستقل شرکت موظف است در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام در خصوص استقرار و به‌کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت، با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی ذکر شده در فصل دوم دستورالعمل، اظهارنظر کند. علاوه بر این در صورتی که نقاط ضعف با اهمیتی در سیستم کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی شرکت وجود داشته باشد ولی در «گزارش کنترل‌های داخلی» هیئت‌مدیره افشا نشده باشد یا افشای آن ناقص باشد، این موضوع باید در گزارش حسابرس تصریح و نسبت به اثرات آن بر دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده موضع‌گیری شود».

دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی

تحقیقات انجام شده از بورس اوراق بهادار آمریکا نشان می‌دهد که رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی در هیچ بازار حسابرسی رایج نیست. دی آنجلو^۳ (۱۹۸۱) اندازه حسابرس را نماینده‌ای از کیفیت حسابرس معرفی می‌کند؛ به عبارت دیگر این دیدگاه بیان می‌کند که مؤسسات حسابرسی بزرگ کیفیت بالاتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک دارند. تحقیقات دی آنجلو (۱۹۸۱) نشان داد شرکت‌های حسابرسی بزرگ، به‌منظور حفظ شهرت خود و حفظ مشتری، تمایل کمتری به انجام رفتار فرصت‌طلبانه دارند؛ بنابراین، این حسابرسان اگر تحریف‌ها با اهمیتی را در صورت‌های مالی کشف کنند، به‌احتمال زیاد آن‌ها را افشا خواهند

¹ Barra

² COSO

³ DeAngelo

کرد. بیشتر تحقیقات مرتبط با اندازه حسابرس نیز نشان داده‌اند که کیفیت گزارشگری مالی صاحبکاران مؤسسات حسابرسی بزرگ بالاتر از کیفیت گزارشگری مالی صاحبکاران مؤسسات کوچک است (فرانسیس و کریشنن^۱، ۱۹۹۹). در ایران موضوع رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی از سال ۱۳۸۳ مطرح گردید. این تفکر بیانگر آن است که شرکت‌های بزرگ باید توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ حسابرسی شوند چون مؤسسات حسابرسی یکسان و هم‌اندازه نیستند (امانی و دوانی، ۱۳۸۸).

عامل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی در ایران موجب ایجاد تفاوت فاحش در عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی نسبت به کشورهای دیگر شده است؛ زیرا رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی در ایران بر اساس عواملی همچون ارزیابی شرکا، ارزیابی کارکنان موسسه حسابرسی، ارزیابی ساختار و سازمان موسسه، ارزیابی تنوع ارائه خدمات و موقعیت مؤسسات حسابرسی در بازار حرفه‌ای و نهایتاً ارزیابی کیفیت خدمات است (مهربان پور و بطهائی پور، ۱۳۹۳). دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۱ توسط آن سازمان تصویب شد. بر اساس این دستورالعمل، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار، از اهداف دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد. از جمله معیارهای طبقه‌بندی می‌توان به معیارهای عادی (معیارهای ارزیابی شرکا، کارکنان، ساختار سرمایه و سازمان موسسه، تنوع ارائه خدمات و کیفیت خدمات) و معیارهای تخلفاتی (سوابق تخلفاتی موسسه و شریک موسسه) اشاره کرد؛ که معیارهای تخلفاتی امتیاز منفی محسوب می‌شوند. جمع امتیازات موسسه حسابرسی بر اساس معیارهای مذکور، مبنای تعیین طبقه موسسه حسابرسی است. برحسب امتیاز کسب شده، مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" قرار می‌گیرند. مؤسسات حسابرسی گروه "اول" مؤسساتی هستند که بیشترین امتیاز کنترل کیفیت را به دست آورده‌اند؛ درحالی‌که مؤسسات حسابرسی گروه "چهارم" کمترین امتیاز کنترل کیفیت را به دست آورده‌اند. همچنین، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به‌منظور استفاده از خدمات حسابرسی مؤسسات حسابرسی معتمد، بر طبق معیارهایی همچون میانگین جمع دارایی‌ها، درآمد فروش، ارزش بازار و تعداد کارکنان؛ خود به چهار گروه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" تقسیم‌بندی می‌شوند. این شرکت‌ها موظف‌اند تا حسابرس مستقل و بازرس قانونی خود را از میان مؤسسات حسابرسی معتمد که در همان طبقه یا طبقات بالاتر قرار دارند، انتخاب نمایند.

پیشینه خارجی و داخلی

چانگ، چن، چنگ و چی^۲ (۲۰۱۹) ویژگی‌های حسابرسی داخلی و اثربخشی کنترل داخلی را مورد مطالعه قرار دادند، نتایج نشان داد یک تیم حسابرسی بزرگ‌تر باعث ارتقا و اثربخشی بهتر می‌شود و آن‌ها معتقدند شرکت‌هایی که عملکرد بهتری (به‌عنوان مثال، یک تیم بزرگ حسابرسی، کارمندان بیشتر با گواهینامه حسابرسی، سابقه کار حسابرسی بیشتر و سطح تحصیلات بالاتر) دارند دارای سیستم کنترل داخلی بهتری هستند.

جی، لو و کو^۳ (۲۰۱۸) به بررسی رابطه بین افشای داوطلبانه ضعف در کنترل‌های داخلی و کیفیت سود در چین پرداختند. برای این منظور از نمونه‌ای شامل ۱۰۵۹ شرکت که به‌صورت داوطلبانه اقدام به انتشار گزارش‌های کنترل‌های داخلی طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۱ نمودند استفاده شده است. نتایج آن‌ها نشان داد که کیفیت سود اندازه‌گیری شده به‌وسیله اقلام تعهدی اختیاری رابطه معنی‌داری با افشای داوطلبانه ضعف در کنترل‌های داخلی دارد.

مری جین، کارین، پرایز و بینگ^۴ (۲۰۱۶) پژوهشی را با عنوان «ضعف در کنترل داخلی و شواهدی از دستکاری فعالیت‌های واقعی» پس از تصویب قانون ساربینز آکسلی یعنی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ انجام دادند. آن‌ها دریافتند که میان ضعف کنترل داخلی شرکت‌های گزارشگر و دستکاری فعالیت‌های واقعی رابطه مثبت وجود دارد. علاوه بر این، آن دسته از شرکت‌هایی که

¹ Francis & Krishnan

² Chang, Chen, Cheng & Chi

³ Ji, Lu & Qu

⁴ Mary Jane, Karin, Pervaiz & Bing

دارای ضعف کنترل‌های داخلی هستند و برای دستیابی به سود از دستکاری فعالیت‌ها استفاده می‌کنند از عملکرد پایینی در سال بعد برخوردارند.

چن، لای، لیو و مک وی^۱ (۲۰۱۴) با بررسی رابطه‌ی بین بیش اطمینانی مدیریت و کنترل‌های داخلی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که مدیران بیش اطمینان دارند با احتمال بیشتری کنترل‌های داخلی غیر اثربخش را به کار می‌گیرند. همچنین یافته‌های آنان نشان داد که مدیران بیش اطمینان قادر به رفع پیامدهای منفی ناشی از ضعف کنترل‌های داخلی نیستند.

میرزاحمدی، علاچی و محمدی امین (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «تأثیر محافظه‌کاری حسابرسی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی» به این نتیجه رسیدند که رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تأثیر معکوس و معنادار دارد. بدین معنی که در شرکت‌هایی که در بورس فعالیت دارند اگر حسابرسی صورت‌های مالی توسط مؤسسات رتبه الف انجام پذیرد منجر به کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می‌شود؛ یعنی حسابرسی مؤسسات رتبه برتر بر کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تأثیر دارد.

مقدم، خسروی پور، لشگری، فرساد و توانگر (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بررسی تأثیر نوع اظهارنظر حسابرسی بر سطح شفافیت گزارش‌گری مالی نشان داد که شرکت‌های مشمول اظهارنظر مقبول از شفافیت مالی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

نتایج پژوهش حسن پور و صفری گرایلی (۱۳۹۸) با عنوان «نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و ارزش‌گذاری بازار از نگاهداشت وجه نقد» حاکی از آن است که؛ نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، ارزش‌گذاری بازار از وجه نقد نگهداری شده در شرکت را کاهش می‌دهد. بدین معنی که در شرکت‌های دارای کنترل‌های داخلی ضعیف، به دلیل عدم وجود مکانیزم‌های نظارتی اثربخش، زمینه رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در خصوص سوءاستفاده از وجه نقد نگهداری شده در شرکت در جهت تأمین منافع شخصی آنان فراهم می‌شود. بدین ترتیب، نگرانی‌های سرمایه‌گذاران در خصوص نگهداشت وجه نقد شرکت افزایش یافته که در نهایت، به ارزش‌گذاری کمتر وجه نقد شرکت در بازار می‌انجامد.

یوسفی اصل، ملانظری و سلیمانی امیری (۱۳۹۵) در «ارزیابی الگوی شفافیت گزارش‌گری مالی پیشنهادی بر مبنای نقدشوندگی سهام»، برای ارزیابی میزان شفافیت شرکت‌ها و کیفیت افشای آن‌ها الگویی ارائه داده‌اند؛ سپس ارتباط این الگو با بعد ارتباط با نقدشوندگی سهام را مورد ارزیابی قرار داده و با شاخص افشای سازمان بورس اوراق بهادار مقایسه کرده‌اند. آن‌ها نشان دادند که الگوی مزبور رابطه‌ی معناداری با شاخص نقدشوندگی دارد؛ درحالی‌که رابطه‌ی بین شاخص افشای سازمان بورس و اوراق بهادار با این متغیرها معنادار نیست.

حاجی‌ها و محمدحسین نژاد (۱۳۹۴) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی در بین ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتیجه تحقیق نشان داد که بین لگاریتم قیمت سهام در تعداد سهام، نسبت موجودی کالا به جمع کل دارایی‌ها و زیان، با نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و متغیرهای تسعیر نرخ ارز، رشد درآمد رابطه‌ای با نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی ندارند. در نتیجه، می‌توان گفت ضعف‌های با اهمیت در گزارش حسابرسی، از بعضی معیارهای مالی تأثیر می‌پذیرد.

عبدلی، فعال قیومی و پرتوی (۱۳۹۲) در «تأثیر ویژگی‌های حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی» به بررسی رابطه بین اندازه حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. نتایج نشان‌دهنده رابطه‌ی منفی و معنادار میان چرخش حسابرسی و میزان ارقام تجدید ارائه شده در صورت‌های مالی است. این مسئله می‌تواند به این دلیل باشد که معمولاً حسابرسان به محض ورود به محیط کار جدید و برخورد با کارفرما، بر رعایت سخت‌گیرانه‌تر استانداردها تأکید می‌کنند، بنابراین خواستار تعدیلات بیشتری از سوی کارفرما هستند و در مواردی ممکن است با حسابرسی قبلی تفاوت دیدگاه داشته باشند و نظر حسابرسی قبلی را در خصوص طبقه‌بندی اقلام تأیید نکنند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که افزایش تعداد کارکنان و شرکای حسابرسی موجب کاهش اقلام تجدیدنظر شده در صورت‌های مالی می‌شود.

¹ Chen, Lai, Liu & McVay

نونهال نهر، جبارزاده کنگرلویی و پورکریم (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه‌ی بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی» نشان دادند اندازه، قدمت و نام تجاری مؤسسات حسابرسی، نمونه‌هایی از شاخص‌های متمایزکننده کیفیت آن‌ها است؛ یعنی مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر و همچنین مؤسساتی که نام تجاری مشهورتری نسبت به مؤسسات دیگر دارند، دارای کیفیت بالاتری هستند. از سوی دیگر مؤسسه حسابرسی باکیفیت‌تر باعث افزایش قابلیت اتکای اقلام تعهدی می‌شود. آن‌ها همچنین نتیجه‌گیری کردند؛ که انجام عملیات حسابرسی صاحبکار توسط یک مؤسسه طی سال‌های متمادی، به دلیل آشنایی تیم حسابرسی با عملیات حسابداری مربوط به آن صاحبکار، می‌تواند مؤثرتر صورت گرفته و باعث افزایش قابلیت اتکای اقلام تعهدی شود.

فرضیه‌های پژوهش

شفافیت یکی از عواملی است که باعث جذابیت شرکت می‌شود و می‌تواند بر دیدگاه سرمایه‌گذاران نسبت به شرکت اثرگذار باشد، لذا به مسئله‌ای مهم و اساسی تبدیل شده و بسیاری از محققان برای ارائه راه‌حلهایی جهت بهبود آن به تکاپو افتاده‌اند. بورس اوراق بهادار ایران نیز با هدف افزایش شفافیت، حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و نیز پیشگیری از تخلفات اقدام به تصویب دستورالعمل‌هایی نمود تا بتواند گامی مؤثر در جهت دستیابی به اهداف خود بردارد. از جمله این دستورالعمل‌ها می‌توان به دو دستورالعمل کنترل‌های داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی اشاره کرد. با توجه به توضیحات مذکور، فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: تهیه و اجرای چک‌لیست نقاط ضعف کنترل‌های داخلی موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

فرضیه دوم: اجرای نظام رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

به‌منظور انجام پژوهش حاضر در خصوص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری از ابتدای سال ۱۳۸۶ تعیین شده و نمونه پژوهش از میان شرکت‌های پذیرفته شده طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ انتخاب گردیده است.

جدول (۱). مراحل نمونه‌گیری

تعداد	مراحل مختلف نمونه‌گیری
۷۷۴	تعداد شرکت‌های جامعه آماری (تا پایان اسفندماه ۱۴۰۰)
(۱۴۳)	شرکت‌هایی که جزء بانک‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی یا لیزینگ بوده‌اند.
(۴۰)	شرکت‌ها باید در طول سال مالی تداوم فعالیت داشته باشند (تعداد شرکت‌هایی که حائز این شرط نبوده‌اند)
(۱۶۸)	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به پایان اسفندماه ختم نمی‌شود.
(۲۶۴)	تعداد شرکت‌های که اطلاعات مربوط به آن‌ها در دوره مورد بررسی در دسترس نبوده است.
۱۵۹	تعداد شرکت‌های نمونه

با لحاظ کردن معیارهای فوق، ۱۵۹ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب گردیده که با توجه به دوره زمانی پژوهش، تعداد ۲۳۸۵ مشاهده سال- شرکت به‌دست آمده است.

مدل و متغیرهای تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیونی مطابق با مدل ۱ استفاده شده است:

$$TFR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ICW_{i,t} + \beta_2 TOPS_{i,t} + \beta_3 D_1 + \beta_4 D_2 + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 BIG_{i,t} + \beta_9 BOARD_{i,t} + \beta_5 OUT_DIR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

متغیر وابسته

شفافیت گزارشگری مالی (TFR^۱): همان‌طور که در بخش مبانی نظری شرح داده شد، در پژوهش حاضر، شفافیت گزارشگری مالی با استفاده از چهار معیار مالکان نهادی، قابلیت پیش‌بینی سود، نسبت بدهی و دستکاری سود اندازه‌گیری می‌شود.

۱- مالکان نهادی:

بر مبنای پژوهش یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۳)، یکی از معیارهای سنجش شفافیت سرمایه‌گذاران نهادی است. مطابق با تعریف بوش، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... هستند که حجم بزرگی از عملیات آن‌ها به معامله سهامشان برمی‌گردد. علاوه بر این مطابق با تعریف بند ۲۷ ماده یک قانون اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، از سرمایه‌گذاران نهادی، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد و یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار را خریداری کند نیز جزو این گروه از سرمایه‌گذاران محسوب می‌شوند. لذا با بررسی یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، سرمایه‌گذاران نهادی شرکت‌ها مشخص گردیده است. مالکان نهادی با شفافیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم دارد، به این معنی که شرکت‌هایی که دارای مالکین نهادی هستند از شفافیت بیشتری در گزارشگری خود برخوردارند.

۲- قابلیت پیش‌بینی سود:

یکی از اهداف حسابداری و تهیه‌ی صورت‌های مالی، فراهم کردن اطلاعات سودمند برای تسهیل تصمیم‌گیری است. از جلوه‌های این سودمندی، توان پیش‌بینی اقلام صورت‌های مالی است. پیش‌بینی سود حسابداری به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از دیرباز مورد توجه استفاده‌کنندگان بوده است. در گزارشگری مالی کوشش می‌شود تا زمینه لازم برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی توسط سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم شود. شفافیت گزارشگری مالی با ارائه اطلاعات شفاف، قابلیت پیش‌بینی جریان‌های نقدی و سودهای آتی را بهبود می‌بخشد.

به توانایی سودهای گذشته در پیش‌بینی سودهای آینده، قابلیت پیش‌بینی سود می‌گویند. قابلیت پیش‌بینی یکی از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری است که سبب مرتبط شدن اطلاعات می‌شود. قابلیت پیش‌بینی سود تابعی از استانداردهای حسابداری، عوامل اقتصادی و محیط عملیاتی واحد گزارشگر است (مشایخ و فرهادی، ۱۳۹۶).

به پیروی از تحقیق دیچو و تانگ^۲ (۲۰۰۸) به منظور اندازه‌گیری قابلیت پیش‌بینی سود حسابداری از مدل خود رگرسیون مطابق با مدل (۲) استفاده می‌گردد. به این ترتیب که در آن سود تجدید ارائه شده در مدل خود رگرسیونی قرار گرفته و مقادیر باقی‌مانده مدل بیانگر قابلیت پیش‌بینی سود شرکت می‌باشد. بر این اساس، هرچه این مقادیر باقی‌مانده کمتر باشد، قابلیت پیش‌بینی سود حسابداری بیشتر است. قابلیت پیش‌بینی سود با شفافیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم دارد؛ یعنی هرچه قابلیت پیش‌بینی سود بیشتر باشد شفافیت گزارشگری مالی نیز افزایش می‌یابد.

$$E_t = \beta_0 + \beta_1 E_{t-1} + \varepsilon_t \quad \text{مدل (۲)}$$

در مدل $E_{t,2}$ نشان‌دهنده سود خالص شرکت در زمان $E_{t,t}$ سود خالص شرکت در زمان $t-1$ و ε خطای باقیمانده است.

۳- نسبت بدهی:

این نسبت نشان می‌دهد که چه میزان از دارایی‌های شرکت از طریق بدهی‌ها تأمین مالی شده است؛ به عبارتی میزان به‌کارگیری اهرم مالی یا بدهی در شرکت را نشان می‌دهد؛ و مساوی خواهد بود با نسبت مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌ها. این نسبت با شفافیت گزارشگری مالی رابطه مستقیم دارد، هرچه نسبت بدهی بیشتر باشد شفافیت گزارشگری مالی بیشتر می‌شود (یوسفی اصل و همکاران ۱۳۹۳).

¹ Transparency of Financial Reporting

² Dichev & Tang

۴- دستکاری سود:

در این پژوهش از شاخص دستکاری سود شامل اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار معکوس شفافیت گزارشگری مالی استفاده می‌شود. به این معنی که هرچه دستکاری سود بیشتر باشد، شفافیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. مدیریت اقلام تعهدی اختیاری یکی از راه‌های دستکاری سود است که از طریق مدل جریان نقد توسعه یافته^۱ (کازنیک، ۱۹۹۹) محاسبه می‌شود:

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_4 \left(\frac{\Delta CFO_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

TA_{it} : جمع اقلام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان‌های نقدی عملیاتی) شرکت i در سال t .

A_{it-1} : جمع دارایی‌های شرکت i در سال $t - 1$.

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t نسبت به سال $t - 1$.

PPE_{it} : جمع اموال و تجهیزات شرکت i در سال t .

ΔREC_{it} : تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتنی شرکت i در سال t نسبت به سال $t - 1$.

ΔCFO_{it} : تغییر در جریان‌های نقد عملیاتی می‌باشد.

ε_{it} : معرف اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک است.

متغیرهای مستقل

تاکنون در کشور ایران پژوهش‌های زیادی انجام شده که تأثیر معیارهای مختلف را بر شفافیت گزارشگری مالی سنجیده‌اند؛ اما با توجه به جدید بودن و نوآوری پژوهش حاضر، پژوهشگران در نظر دارند تأثیر دو متغیر زیر را برای اولین بار بر شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار موردسنجش قرار دهند:

۱- ضعف کنترل‌های داخلی (ICW)^۲:

نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی از گزارش حسابرسان مستقل به دست آمده است. طبق چکلیست کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، از سال ۱۳۹۱ حسابرسان مکلف شدند تا سیستم کنترل‌های داخلی شرکت را بر مبنای چکلیست مذکور بررسی نموده و مواردی که حاکی از عدم رعایت یا عدم اجرای مطلوب کنترل‌های داخلی و به‌طور کلی ضعف‌های با اهمیت سیستم کنترل‌های داخلی را در گزارش خود افشا نمایند. لذا منظور از ضعف‌های مذکور مواردی همچون ضعف‌های با اهمیت سیستم کنترل‌های داخلی حساب‌های دریافتنی، موجودی کالا، دارایی‌ها، مالیات و یا مواردی که مربوط به تصمیمات هیئت‌مدیره است و این ضعف‌ها در سطح حساب‌های شرکت و یا در سطح خود شرکت وجود دارند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری ضعف‌های کنترل‌های داخلی از یک متغیر مصنوعی و به این صورت استفاده شده که هنگامی که حسابرس در گزارش خود به حداقل یک ضعف سیستم کنترل داخلی شرکت اشاره کند، برای شرکت موردنظر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

۲- رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی (TOPS):

در این پژوهش به منظور اعمال رتبه‌بندی صورت گرفته توسط سازمان بورس اوراق بهادار در ارتباط مؤسسات حسابرسی نیز از یک متغیر مصنوعی و به این صورت استفاده شده که اگر شرکت توسط یکی از مؤسسات حسابرسی طبقه "اول" حسابرسی شده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر برای آن در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای مجازی

D_1 : متغیری کیفی است که اثر دستورالعمل کنترل‌های داخلی را بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر از آنجا که دستورالعمل کنترل‌های داخلی از سال ۹۱ اجرا شده است، D_1 به عنوان یک متغیر مجازی نشان می‌دهد

¹ The Extended Jones Cash Flow Model

² Internal Control Weakness

که تأثیر اجرایی شدن دستورالعمل کنترل‌های داخلی نسبت به سال‌های قبل از اجرا چگونه بوده است. به همین منظور از سال اجرا شدن دستورالعمل (۹۱) به بعد عدد ۱ و قبل از اجرا صفر می‌گیرد.

D2: متغیری کیفی است که اثر دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی را بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر از آنجا که دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی از سال ۹۱ اجرا شده است، D2 به‌عنوان یک متغیر مجازی نشان می‌دهد که تأثیر اجرایی شدن دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی نسبت به سال‌های قبل از اجرا چگونه بوده است. به همین منظور از سال اجرا شدن دستورالعمل (۹۱) به بعد عدد ۱ و قبل از اجرا صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

۱- اندازه شرکت (Size):

در این پژوهش به‌منظور تعیین اندازه شرکت، مطابق با پژوهش صبوحی و محمدزاده (۱۳۹۷)، اندازه شرکت از طریق لگاریتم دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

۲- سن شرکت (Age):

در این پژوهش به‌منظور تعیین سن شرکت، مطابق با پژوهش بنی مهد، مرادزاده و زینالی (۱۳۹۲)، از لگاریتم تعداد سال‌هایی که از زمان تأسیس شرکت می‌گذرد، استفاده شده است.

۳- نرخ بازده دارایی‌ها (ROA):

در این پژوهش نرخ بازده دارایی‌ها از تقسیم سود خالص (سود پس از کسر مالیات) بر جمع دارایی‌ها به‌دست‌آمده است.

۴- اندازه هیئت‌مدیره (BOARD):

در این پژوهش اندازه هیئت‌مدیره از جمع اعضای هیئت‌مدیره مطابق با پژوهش حساس یگانه، شعری و خسرونزاد (۱۳۸۷) استفاده شده است.

۵- درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره (OUT_DIR):

در این پژوهش این متغیر از تقسیم اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بر جمع اعضای هیئت‌مدیره و مطابق با پژوهش مجتهدزاده و اثنی عشری (۱۳۹۱) به‌دست‌آمده است.

۶- نوع موسسه حسابرسی (BIG):

در این پژوهش برای تعیین نوع موسسه حسابرسی مطابق با پژوهش ثقفی و معتمدی فاضل (۱۳۹۰) از دو طبقه کلی، سازمان حسابرسی (کد یک) سایر مؤسسات (کد صفر) استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج آمار توصیفی پژوهش

به‌منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را برای نمونه‌ای متشکل از ۲۳۸۵ سال-شرکت در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ را نشان می‌دهد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. همان‌طور که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است میانگین متغیر قابلیت پیش‌بینی سود شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های مورد آزمون ۷/۳۱۳ بوده است. همچنین میانه برای این متغیر ۷/۳۰۴ بوده است، این بدان معناست که نیمی از داده‌ها کمتر و نیمی از داده‌ها بیشتر از آن است. سایر متغیرها نیز به همین صورت قابل تفسیر می‌باشند.

انحراف معیار بیان‌کننده میزان تغییرات مجذور داده‌های متغیر وابسته حول میانگین بوده و هر چه کمتر باشد، نشان از توزیع نرمال داده‌های مربوط به آن متغیر دارد. در بین متغیرهای پژوهش، قابلیت پیش‌بینی سود دارای انحراف معیار ۰/۱۷۸ و

اندازه شرکت دارای انحراف معیار ۰/۷۲۲ بوده و به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی (انحراف معیار) می‌باشند. سایر متغیرها نیز به همین صورت قابل تفسیر می‌باشند.

جدول (۲). آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
مالکان نهادی	۰/۸۵۶	۱	۰/۳۵۰	۱	۰
قابلیت پیش‌بینی سود	۷/۳۱۳	۷/۳۰۴	۰/۱۷۸	۸/۰۰۱	۰
نسبت بدهی	۰/۶۴۴	۰/۶۳	۰/۳۳۵	۶/۴۸۰	۰/۰۵
دستکاری سود	۰/۰۲۴	۰/۰۱۷	۰/۰۷۷	۰/۴۴۸	-۰/۱۷۵
ضعف کنترل‌های داخلی	۰/۱۳۲	۰	۰/۳۳۸	۱	۰
رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی	۰/۳۰۸	۰	۰/۴۶۲	۱	۰
D1	۰/۵۸۳	۱	۰/۴۹۳	۱	۰
D2	۰/۴۹۹	۰	۰/۵	۱	۰
اندازه شرکت	۶/۰۹۵	۶/۰۱۳	۰/۷۲۲	۸/۵۸۷	۴/۰۱۳
سن شرکت	۱/۵۲۵	۱/۵۷۹	۰/۱۸۹	۱/۸۲۶	۰/۶۰۲
نرخ بازده دارایی‌ها	۹/۶۶۸	۸/۳۸۰	۱۳/۵۵۹	۷۴/۰۳۱	-۶۶/۰۵۵
اندازه هیئت‌مدیره	۵/۱۳۳	۵	۰/۶۰۲	۱۱	۳
درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره	۳/۸۴۷	۵	۱/۵۸۳	۸	۱
نوع موسسه حسابرسی	۰/۳۳۲	۰	۰/۴۷۱	۱	۰

نتایج آمار استنباطی پژوهش

همان‌طور که پیشتر اشاره شد در این مطالعه چهار مدل برآورد خواهد شد که در آن‌ها به ترتیب متغیرهای مالکان نهادی، قابلیت پیش‌بینی سود، نسبت بدهی و دستکاری سود به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشند. با توجه به این‌که داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از نوع داده‌های تابلویی است، لازم است در ابتدا نوع مدل بهینه انتخاب گردد. بدین منظور، ابتدا آزمون اف لیمر برای انتخاب بین مدل‌های آمیخته شده^۱ و تابلویی^۲ انجام شد و نتایج در جدول ۳ گزارش گردید.

جدول (۳). نتایج آزمون اف لیمر برای انتخاب مدل تحقیق

نتیجه آزمون	Chi-square(pvalue)	Cross-section F (p-value)	مدل اول (مالکان نهادی)
رد فرضیه صفر	۱۰۴۳/۷۴۰ (۰/۰۰۰)	۸/۶۸۰ (۰/۰۰۰)	مدل دوم (پیش‌بینی سود)
رد فرضیه صفر	۸۹۹/۷۱۸ (۰/۰۰۰)	۷/۱۷۷ (۰/۰۰۰)	مدل سوم (نسبت بدهی)
رد فرضیه صفر	۷۱۰/۸۲۳ (۰/۰۰۰)	۵/۳۷۷ (۰/۰۰۰)	مدل چهارم (دستکاری سود)
رد فرضیه صفر	۲۰۹۹/۵۴۵ (۰/۰۰۰)	۲۳/۹۰۶ (۰/۰۰۰)	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس احتمال گزارش شده برای آماره آزمون، فرضیه صفر رد می‌شود و در نتیجه مدل داده‌های تابلویی مدل بهینه است. پس از انتخاب مدل داده‌های تابلویی لازم است یکی از مدل‌های اثرات ثابت^۳ و تصادفی^۴ انتخاب گردد. بدین منظور آزمون هاسمن برای هر چهار مدل انجام شد. نتایج این آزمون در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول (۴). نتایج آزمون هاسمن

نتیجه آزمون	p-value	Chi-square	مدل اول (مالکان نهادی)
رد فرضیه آزمون	۰/۰۴۸	۱۱/۲۲	مدل دوم (پیش‌بینی سود)
رد فرضیه آزمون	۰/۰۰۰	۱۰۴/۷۲	مدل سوم (نسبت بدهی)
رد فرضیه آزمون	۰/۰۳۶	۵/۶۱	مدل چهارم (دستکاری سود)
رد فرضیه آزمون	۰/۰۴۳	۵/۹۰	

¹ Pooled Ols Model

² Panel Data Model

³ Fixed Effect Model

⁴ Random Effect Model

همان‌طور که ملاحظه می‌شود فرضیه صفر برای هر چهار مدل در سطح ۵ درصد رد می‌شود که نشان می‌دهد مدل بهینه اثرات ثابت است؛ بنابراین، ناهمگنی در بین مقاطع تصادفی نبوده و ماهیت ثابت یا غیر تصادفی دارند؛ بنابراین، هر چهار مدل به صورت اثرات ثابت و به روش حداقل مربعات معمولی برآورد شدند. به منظور کنترل مشکل ناهمسانی واریانس در عوامل اخلاقی، از روش مقاومت‌سازی^۱ استفاده شد؛ بنابراین در این مطالعه بر مقاومت‌سازی برآوردگرها تکیه شده است. نتایج حاصل از اجرای مدل و آزمون فرضیات پژوهش در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول (۵). نتایج مدل‌های داده‌های تابلویی و آمیخته برای دو مدل پژوهش

متغیر	مدل اول	P-value	مدل دوم	P-value	مدل سوم	P-value	مدل چهارم	P-value
ضعف کنترل‌های داخلی	-۰/۶۴۴°	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۳	۰/۵۲۳	-۰/۱۲۷	۰/۰۳۳	-۰/۰۰۰۶	۰/۸۶۲
رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی	۰/۵۱۱°	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸	۰/۱۰۲	۰/۱۶۰	۰/۰۴۵	۰/۰۰۶	۰/۰۱۲
D1	-۰/۶۲۸°°	۰/۰۸۴	۰/۰۷۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۱	۰/۰۷۸	-۰/۰۰۰۱	۰/۹۶۱
D2	۰/۳۱۵°	۰/۰۳۷	۰/۰۲۵	۰/۲۸۲	۰/۰۹۶	۰/۰۷۴	۰/۰۰۷	۰/۰۵۷
سن شرکت	۰/۱۶۳°°°	۰/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۰۲۷	۰/۰۶۸	۰/۰۵۲	۰/۰۴۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۹۱۱	-۰/۰۱۸	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۴۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۲۴۹	۰/۰۲۶	-۰/۰۱۱	۰/۳۹۹	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۲	۰/۸۹۰
درصد اعضای غیرموظف	-۰/۲۰۵	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۱	۰/۷۹۷	۰/۰۱۰	۰/۱۰۳	-۰/۰۰۰۳	۰/۷۴۴
نوع موسسه حسابرسی	-۰/۳۴۴	۰/۰۳۴	۰/۰۲۸	۰/۲۶۰	-۰/۰۴۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۹۷
Intercept	۰/۸۴۶	۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	۰/۵۶۶	۰/۶۹۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۵	۰/۰۰۸
Pseudo R²	۰/۵۶۲	*	۰/۴۲۳	*	۰/۴۸۶	*	۰/۶۸۸	*
آماره شوارتز	۰/۳۳۲	*	۰/۸۱۲	*	۰/۶۰۷	*	-۲/۸۲۰	*
آماره F	۱۴/۴۱۸°°°	۰/۰۰۰	۸/۲۲۹°°°	۰/۰۰۰	۱۰/۶۲۸	۰/۰۰۰	۲۴/۷۸۱	۰/۰۰۰
دوربین واتسون	۱/۲۶۰	*	۱/۱۳۸	*	۱/۰۵۴	*	۰/۷۵۹	*

°، °° و °°° به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضرایب متغیرهای مستقل در مدل دوم و مدل چهارم از نظر معنی‌داری رد شده و لذا به بررسی مدل اول و سوم پرداخته می‌شود. بر اساس آماره شوارتز^۲ مدل سوم بر مدل اول برتری دارد. علت عدم استفاده از ضریب تعیین برای مقایسه دو مدل، متفاوت بودن متغیر وابسته در دو مدل و نیز معتبر نبودن ضریب تعیین معمولی در مدل‌های احتمال خطی است؛ اما از منظر معناداری کل رگرسیون، آماره اف در دو مدل نشان می‌دهد فرضیه صفر بودن هم‌زمان ضرایب در هر دو مدل در سطح معناداری ۱ درصد رد می‌شود.

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است، بر اساس آماره *t* و احتمال معنی‌داری آن، تمامی ضرایب در مدل سوم به جزء متغیر کنترلی اندازه شرکت از منظر آماره و در سطح ۰/۱ معنادار می‌باشند. علامت منفی متغیر ضعف کنترل‌های داخلی نشان‌دهنده این است که اجرای دستورالعمل کنترل‌های داخلی موجب افزایش احتمال شفافیت گزارشگری مالی شده است. به بیانی دیگر، با اجرای دستورالعمل فوق‌الذکر، ۱۲/۷ درصد احتمال شفافیت در شرکت‌های مورد مطالعه بهبود یافته است. علامت مثبت ضریب رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی نیز نشان می‌دهد که با اجرای دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی، احتمال شفافیت در گزارشگری مالی شرکت‌های مورد مطالعه ۱۶ درصد بهبود یافته است. D1 و D2 به ترتیب متغیرهای موهومی سال اجرای دستورالعمل کنترل داخلی و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی است. عموماً، متغیرهای موهومی زمان در مدل‌های احتمال خطی می‌توانند به‌عنوان ارزیابی سیاست‌ها (یا طرح‌ها) مورد استفاده قرار گیرند. به این معنی که معناداری تفاوت در سال‌های قبل و بعد از اجرای یک سیاست را نشان می‌دهند. در جدول ۵، ضرایب این دو متغیر نشان می‌دهند از سال اجرای این دستورالعمل‌ها، احتمال شفافیت در شرکت‌های مورد مطالعه به ترتیب ۳/۱ و ۹/۶ درصد بهبود یافته است.

¹ Robustness

² Schwartz Statistic

بحث و نتیجه‌گیری

تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به بازار سرمایه، با هدف کسب بازده بیشتر نسبت به بازارهای رقیب صورت می‌پذیرد. در این میان بروز وقایع غیرمنتظره در بازار سرمایه همچون تغییرات شدید و ناگهانی شاخص بورس، تغییر در دامنه مجاز نوسان قیمت سهام، تغییرات حجم‌مبنا، توقف غیرمنتظره برخی از نمادها و نیز بازگشایی همراه با تغییرات زیاد قیمتی برخی دیگر از نمادها، همگی توجهات و ابهامات را نسبت به وجود یا عدم وجود شفافیت در گزارشگری مالی شرکت‌ها را بیش‌ازپیش برجسته نموده است. سازمان بورس اوراق بهادار به منظور کمک به رفع این ابهامات و مطابق با تجربیات کشورهای همچون آمریکا در تصویب قوانین نظارتی و قوانینی که منجر به شفاف‌سازی بیشتر می‌شود (مانند قانون ساربینز آکسلی، راهنمای دستورالعمل کنترل‌های داخلی کوزو)، اقدام به تدوین و تصویب دستورالعمل‌هایی به منظور افزایش شفافیت گزارشگری مالی نموده است.

با توجه به اینکه در کشور ما تاکنون قانون ساربینز آکسلی اجرایی نشده، دستورالعمل کنترل‌های داخلی مصوب سازمان بورس را می‌توان نسخه‌ی بومی‌سازی شده‌ی بخشی از این قانون و راهنمای کوزو دانست. در این پژوهش فرضیه اول حاکی از آن بود که تهیه و اجرای چک‌لیست نقاط ضعف کنترل‌های داخلی موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. پذیرفته شده در بورس می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که با اجرای دستورالعمل کنترل‌های داخلی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها افزایش یافته است؛ به عبارت دیگر تأیید فرضیه اول به این معناست که بورس اوراق بهادار در رسیدن به هدف خود از اجرای این دستورالعمل که همان توسعه بازار شفاف برای سرمایه‌گذاران می‌باشد، موفق عمل کرده است؛ بنابراین شرکت‌ها با اجرای این دستورالعمل و تهیه چک‌لیست کنترل‌های داخلی می‌توانند اطلاعات شفاف‌تری ارائه دهند که به تبع آن موجب تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران می‌شود. نتایج این پژوهش با تحقیق اگنوا، سوبرامانیام و راغوناندان^۱ (۲۰۰۷) که نشان می‌داد در صورت وجود ضعف در کنترل‌های داخلی، کیفیت گزارشگری مالی واحدهای اقتصادی کاهش می‌یابد؛ و نیز تحقیق آشباغ، کالینز، کینی و لافوند^۲ (۲۰۰۸) که مبین آن بود که کیفیت گزارشگری در شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی ضعیفی دارند، پایین‌تر بوده و در صورت اجرای کنترل‌های داخلی بر اساس راهنمای کوزو و قانون ساربینز آکسلی، بهبود می‌یابد، مطابقت دارد.

در فرضیه دوم این پژوهش، اجرای نظام رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون این فرضیه نشان داد که بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش رابطه معناداری وجود دارد و اجرای دستورالعمل رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی نیز موجب افزایش شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق محمدرضائی و محمدرضائی (۱۳۹۴) که نشان می‌داد برخلاف ادعای سازمان بورس و اوراق بهادار، کیفیت حسابرسی مؤسسات حسابرسی معتمد طبقه اول بالاتر از کیفیت حسابرسی مؤسسات حسابرسی معتمد سایر طبقات نیست، در مغایرت است.

پیشنهاد‌های پژوهش

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده این پژوهش، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا به منظور افزایش شفافیت گزارشگری مالی، اقدامات بیشتری را در رابطه با بومی‌سازی قوانین مشابه اجرا شده در سایر کشورها همچون قانون ساربینز آکسلی انجام دهد. به‌عنوان پیشنهادی برای انجام تحقیقات آتی؛ می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت که سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان متولی رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی، می‌تواند با رایزنی با سازمان امور مالیاتی از امتیازات تشویقی همچون کاهش مالیات به منظور افزایش کیفیت کار مؤسسات حسابرسی بهره‌گیرد.

به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود؛ با مراجعه به سایت کدال و مطالعه گزارش حسابرسی در مورد شرکت، نسبت به وجود یا عدم وجود شفافیت در شرکت آگاهی و اطمینان لازم را به دست آورند.

¹ Ogneva, Subramanyam & Raghunandan

² Ashbaugh-Skaife, Collins, Kinney & LaFond

همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا آثار اجرای سایر دستورالعمل‌های مصوب بورس اوراق بهادار در زمینه توسعه بازار شفاف مانند؛ دستورالعمل گزارش تفسیری مدیریت و دستورالعمل حاکمیت شرکتی را بر شفافیت گزارشگری مالی که این روزها به دغدغه‌ای بزرگ در میان سرمایه‌گذاران تبدیل شده است مورد بررسی قرار دهند.

محدودیت‌های پژوهش

عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی به واسطه‌ی وجود تورم که ممکن است بر نتایج پژوهش مؤثر باشد. همچنین، به علت برخی معیارهای گزینشی (مانند سال مالی منتهی به پایان اسفندماه، عدم تغییر سال مالی و ...) در انتخاب شرکت‌ها و نیز؛ ناقص بودن داده‌های برخی شرکت‌ها و استفاده از نمونه‌گیری تعداد شرکت‌های مورد مطالعه به ۱۵۹ مورد کاهش یافت؛ بنابراین، تعمیم نتایج این پژوهش به کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار باید با احتیاط صورت پذیرد.

یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش، ویژگی خاص پژوهش‌های نیمه تجربی مبنی بر عدم کنترل برخی عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی و... است که خارج از دسترس پژوهشگران بوده و ممکن است بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد.

منابع

- امانی، علی؛ و غلامحسین دوانی. (۱۳۸۸). خدمات حسابرسی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی و رتبه‌بندی حسابرسان. **حسابداری رسمی** ۸: ۴۱-۳۲.
- امیری حسن آبادی، مریم؛ امید پورحیدری و مهدی بهارمقدم. (۱۳۹۶). **بررسی رابطه ضعف کنترل‌های داخلی با دستکاری فعالیت‌های واقعی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- بنی مهد، بهمن؛ مهدی مرادزاده فرد و مهدی زینالی. (۱۳۹۲). رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهار نظر حسابرسی. **دانش حسابداری** ۴(۱۴): ۱۰۸-۹۱.
- ثقفی، علی؛ و مجید معتمدی فاضل. (۱۳۹۰). رابطه بین کیفیت حسابرسی و کارای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با امکانات سرمایه‌گذاری بالا. **پژوهش‌های حسابداری مالی**. ۳(۱۰): ۱۴-۱.
- حاجی‌ها، زهره؛ و سهیلا محمدحسین نژاد. (۱۳۹۴). عوامل تأثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی. **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی** ۷(۲۶): ۱۳۷-۱۱۹.
- حساس یگانه، یحیی؛ صابر شعری و حسن خسرونژاد. (۱۳۸۷). رابطه سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، نسبت بدهی‌ها، اندازه شرکت با مدیریت سود. **مطالعات حسابداری** ۲۴(۲۴): ۱۱۵-۷۹.
- حسن‌پور، داود؛ و مهدی صفری گرایی. (۱۳۹۸). نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و ارزش‌گذاری بازار از نگاهداشت وجه نقد. **حسابداری مدیریت** ۱۲(۴۳): ۱۷۸-۱۶۷.
- داداش، ناصر؛ شکراله خواجوی و افسانه سروش یار. (۱۴۰۰). تأثیر قدرت مدیران و شفافیت گزارشگری مالی بر احتمال وقوع تقلب با به‌کارگیری رویکردهای مختلف تشخیص تقلب. **حسابداری مالی** ۱۳(۵۰): ۴۰-۱.
- زارعی، بتول. (۱۳۹۶). **نشریه ۲۰۲ سازمان حسابرسی**، مدیریت مالی بخش عمومی. چاپ سوم، فصل ۶ بخش ۲.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۹۵). **استانداردهای حسابداری**، ناشر سازمان حسابرسی، تهران.
- صبحی، نسترن؛ و امیر محمدزاده. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عملکرد اجتماعی، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی. **دانش حسابداری مالی** ۵(۱): ۱۵۱-۱۲۷.
- عبدلی، محمدرضا؛ علی فعال قیومی و ناصر پرتوی. (۱۳۹۲). تأثیر ویژگی‌های حسابرس بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۰(۳): ۸۵-۱۰۰.

- عرب مازار، علی اکبر؛ قدرت‌اله طالب‌نیا؛ حمیدرضا وکیلی فرد و محمود صمدی لرگانی. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران. **تحقیقات حسابداری و حسابرسی** ۳(۹): ۲۲-۳۷.
- مجتهد زاده، ویدا؛ و حمیده اثنی عشری. (۱۳۹۱). رابطه خصوصی سازی، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و اصلاح قوانین و مقررات با هزینه‌های نمایندگی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۲(۵): ۱-۲۰.
- محمدرضایی، فخرالدین؛ و مهدی محمدرضایی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رتبه مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی، **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، شماره ۱۴.
- مشایخ، شهناز؛ و زهرا فرهادی. (۱۳۹۶). اثر وضعیت مالی در پایداری، قابلیت پیش‌بینی و هموارسازی سود. **مدیریت دارایی و تأمین مالی** ۵(۴): ۸۹-۹۸.
- مقدم، حسین؛ نگار خسروی پور؛ زهرا لشگری؛ غلامرضا فرساد و افسانه توانگر. (۱۳۹۹). شفافیت گزارشگری مالی، گزارش حسابرسی و تغییرات ساختار سرمایه شرکت‌ها. **دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت** ۹(۳۵): ۳۲۱-۳۳۸.
- مهربان پور، محمدرضا؛ سید علی اکبر بطهائی پور. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی و مقایسه نحوه رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی در ایران با سایر مؤسسات بین‌المللی. **کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی**، تهران.
- میرزاحمدی، محمدعلی؛ معصومه علاچی و لیلا محمدی امین. (۱۳۹۹). تأثیر محافظه‌کاری حسابرس و رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی. **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت** ۳(۲۳): ۱-۱۵.
- نونهال نهر، علی اکبر؛ سعید جبارزاده کنگرلویی و یعقوب پورکریم. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای ارقام تعهدی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۱۷(۶۷): ۵۵-۷۰.
- وکیلیان آغوثی، مهدی؛ مهدی مرادی؛ مهدی صالحی و مهدی جباری. (۱۴۰۰). اهمیت کنترل‌های داخلی متناسب با اندازه شرکت‌ها. **حسابداری مالی** ۱۳(۴۹): ۱۳۹-۱۷۲.
- یوسفی اصل، فرزانه؛ مهناز ملانظری و غلامرضا سلیمانی امیری. (۱۳۹۳). تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۲: ۱-۳۸.
- یوسفی اصل، فرزانه؛ مهناز ملانظری و غلامرضا سلیمانی امیری. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوی شفافیت گزارشگری مالی پیشنهادی بر مبنای نقدشوندگی سهام. **مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری** ۷(۲۴): ۱۱۳-۱۳۶.
- Ashbaugh-Skaife, H., D.W. Collins, W.R. Kinney & R. LaFond. (2008). The Effect of Internal Control Deficiencies and Their Remediation on Accrual Quality. **Accounting Review** 83(1): 217- 250.
- Barra, R.A. (2010). The Impact of Internal Controls and Penalties on Fraud. **Journal of Information Systems** 24(1): 1-21.
- Bushman, R., J. Piotroski & A. Smith. (2004). What determines corporate transparency?. **Journal of accounting Research**, 42(2): 207-252.
- Chang, Y.T., H. Chen, R.K. Cheng & W. Chi. (2019). The impact of internal audit attributes on the effectiveness of internal control over operations and compliance. **Journal of Contemporary Accounting & Economics** 15(1): 1-19.
- Chen, S., S. Lai, C. Liu & S. McVay. (2014). **Overconfident managers and internal controls. Working Paper**. National Taiwan University and University of Washington.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. **Journal of Accounting and Economics** 3: 297-322.
- Dichev, L.D., & V.W. Tang. (2008). Earnings volatility and earnings predictability. **Journal of Accounting and Economics** 47: 160-181.
- Francis, J., & J. Krishnan. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. **Contemporary Accounting Research** 16: 135-165.

- Gernon, H., & G.K. Meeks. (1997). **Accounting an international perspective**. 5th edn, Irwin McGraw- Hill, Singapore.
- Hsiu, J.F. (2006). Effect of Financial Information Transparency on Investor Behavior in Taiwan Stock Market. **Proquest Database** 16(3): 6-22.
- Ji, X., W. Lu & W. Qu. (2018). Voluntary Disclosure of Internal Control Weakness and Earnings Quality: Evidence from China. **The International Journal of Accounting**. 52.
- Mary Jane, L., A.P. Karin, A. Pervaiz & Y. Bing. (2016). Internal control weaknesses and evidence of real activities manipulation. **Advances in Accounting** 33: 47-58.
- Ogneva, M., K.R. Subramanyam & K. Raghunandan. (2007). Internal Control Weakness and Cost of Equity: Evidence From Sox Section 404 Disclosures. **Accounting Review** 82(5): 1255- 1297.
- Prabowo, R., & K.S. Angkoso. (2006). Factors Influencing the Extent of Web-Based Disclosure: An Empirical Analysis of Indonesian Manufacturing Firms. **Jurnal Akuntansi Dan Keuangan** 8(2): 92-98.